



۲۰۱۳/۰۸/۲۴



دوكتور محمد اكبر يوسفی

استقلال تنها به تجلیل حفظ نمی گردد!

نود و چهار سال قبل از امروز، افغانستان استقلال کامل آنرا از قیودات استعمار برتانوی حاصل نموده است. استعمار انگلیس از سال ۱۸۳۹م تا سال ۱۹۱۹م، سه جنگ را علیه افغانها در سرزمین خود افغانها، براه انداخت، به هدف اینکه این سرزمین و مردم آنرا در قدم اول به سرزمین مستعمره آن مبدل سازد و یا کم از کم تحت کنترل دلخواه خود در آورد. درین جنگ ها قسمت هایی از «قلمرو» افغانها، که زمانی تحت تسلط و اداره دولت و حاکمیت افغانها قرار داشته است، در وقفه های مختلف از خاک اصلی جدا ساخته و سفرهای «اکتشافی» خونینی را هم علیه افغانستان، به منظور سرکوب «سیستماتیک» جنبش های آزادیخواهانه مردم آن انجام داده است. میراث این دوران شوم تمام عمر بعدی مردم این کشور را تحت تأثیرات منفی قرار داده است. درین سالهای نفوذ استعمار در منطقه و در کشور ما، تخم «نفاق» دوامدار را، در همه حلقات اجتماعی پاشیده، بخصوص تضادها و اختلافات «بنیادگرایان» و متنفذین محلی و «روحانیون عقبگرا» را علیه هر اقدام مسؤولین و رهبران کشور در جهت «تجدد» و «مودرنیزم»، حمایت نموده است.

استقلال کامل میهن پدران و نیاکان از اهمیت حیاتی فوق العاده برخوردار بوده، بدین معنی که قبلاً حاکمیت سلطنتی در ساحة داخلی صلاحیت اداره سیاسی کشور را داشته است، ازین روز ببعده، صلاحیت عام و تام در توسعه و تحکیم مناسبات با تمام کشورهای جهان را داشته است. این پیروزی بسادگی بدست نیامده است. بناءً گرامی داشت آن هم یک امر وطندوستانه و ترقیخواهانه است. برسمیت شناختن و تجلیل و گرامیداشت از آن، عالی ترین مظهر همبستگی اتباع دولت افغانستان، بمنابۀ یک «ملت متحد و متعهد» در امر حفظ و دفاع قاطعانه از حاکمیت و «تمامیت ارضی» وطن، محسوب می گردد، که سازماندهی تجلیل و حفظ ارزش های گرانبهای آن، بدوش رهبری دولت و رهبران حکومتی آن می باشد.

این روز که افتخار مشترک همه اتباع کشور شناخته می شود، لازم است تا هر یک بخصوص همه «سازمان ها» و «تشکل» های سیاسی، خارج از محدوده های فکری و «ایدیولوژیک» آنها، متحدانه آنرا گرامی بدارند. در عین زمان حفظ و مواظبت از آن، با ترقی و پیشرفت کشور در همه ساحات ارتباط داشته، این امر که سعادت و آرامش همه را ممکن ساخته می تواند، باید بالاتر از همه امیال فردی و گروهی شناخته شود. این روز باید تعدیل نا پذیر و فراموش نا پذیر برای نسل های آینده نیز باقی بماند. درک اهمیت آن، برای نسل های بعدی علاوه از یاد بود و تجلیل ازین روز و فرستادن درود به شهدا و غازیان راه آزادی، مواظبت و حفظ آزادی هم، از طریق خدمت دوامدار برای آبادی، ترقی و انکشاف کشور نیازمند است.

بناءً این آزادی ایکه در عرصه خارجی به قیمت خون سربازان و افسران و مدافعان وطن ما، در نتیجه «سومین جنگ افغان - انگلیس» در سال ۱۹۱۹م بدست آمده است، می تواند با قوت و نیرومندی اقتصادی، رشد علم و تخنیک و فرهنگ غنی در داخل جامعه متضمن صلح و ثبات و هماهنگی گردد و از جانب دیگر در عرصه خارجی موقف مساعد و مناسب در مسابقات تقسیم کار بین المللی بدست دهد.

قبل از همه مفهوم این آزادی را از زبان پادشاه، اعلیحضرت امیر امان الله خان غازی، که درین روز بیان داشته اند، می خوانیم:

«حالا می خواهم بشما توضیح دهم که آزادی خارجی و داخلی، و تحت اسارت بودن چه معنی دارد. یک کشور وقتی از نظر خارجی و داخلی آزاد گفته می شود که یکی از قدرت های بزرگ جهان دانسته شده، بتواند با هر حکومت دیگری در زمینه های تجارتي و امور سیاسی توافقتنامه و معاهده منعقد نماید، و بتواند با برادران هم مذهب و هم نژاد خود وحدت نموده و به آنها کمک کند، و تحت نفوذ هیچ حکومت دیگری در جهان نباشد. لذا این استقلال

کشور در همه امور و توانمندی اجرای هر چیز است که برایش مفید باشد.» (مقاله «داکتر عبدالرحمن زمانی»،
افغان جرمن آنلاین»، تاریخ: ۲۰۱۳/۰۸/۱۹)

درین روز هموطنان نویسنده، با نوشته های پر معلومات و آموزنده، از این روز پر افتخار یاد نموده اند. با مروری بر مقالات دوستان، نوشته ها را در مورد اهمیت آنروز چنان غنی یافتیم که اصلاً هیچ کنجی را خالی ندیدیم، تا از طریق جست و جوی معلومات تاریخی طوری پُر سازم که توجه هموطنان را بخود جلب نماید. ازین روز در تمام عمر شنیده ایم و آنرا گرامی داشته ایم و گرامی هم خواهیم داشت. این آزادی در نتیجه مبارزات طولانی قهرمانان و دلیران وطن ما علیه استعمار برتانیه، به قیمت خون بی حساب بدست آمده است. کشور و مردمی که اینک بار دیگر بیش از سه ونیم دهه، در خاک و خون ناشی از «بحران» می تپد، به قول بعضی از نویسندگان امروزی، حتی «اعیاد» دینی و مذهبی در طرز زندگی «اسلامی»، برای قریب تمام جامعه، به «ماتم» مبدل گردیده است، باید ضمن آنکه ازین روز خجسته یاد می نمائیم، بصراحت ممکن و لازم حد اقل «بیلائنس» وقایع تاریخی را هم، زیر چشمان و ذهن خود قرار دهیم، که درین کشور، چه وقایع بوقوع پیوسته است، و ما از آن، چه درس آموخته ایم. باید به وضاحت و با صداقت دید، که از همان روز تا اکنون، چه کسانی بطور پیگیر در راه تحکیم و پایدار ساختن استقلال، در همه ساحات عمل نموده و چه کسانی، بر ضد آن، در جهت نابودی دستاورد های مثبت در اجتماع ما عمل نموده اند.

بر حسب تصادف، «پورتال افغان جرمن آنلاین»، «کلپ» یک گزارش تاریخی را به نمایش گذاشته بود، که تصاویر جالب آن، انگیزه ترتیب این نوشته کوتاه را در ذهن اینجانب بوجود آورد، تا با استفاده از مواد معلوماتی از محتوای «کلپ» با «تصاویر» آن و پیوند با شمه ای از حقایق قبلی و بعدی، در داخل و خارج کشور از آنزمان ترتیب گردد. از آنجائیکه بعضی ها برین عقیده اند که «تصاویر خود سخن می گویند»، بناءً ترجیح داده، تا با تقلید از دیگران، درین مطلب، بجای کلمات و جملات، بیشتر عکس های مختلف را جمع آوری نموده، خدمت خوانندگان تقدیم نمایم. هر عکس در خود یکنوع خواست و طرز زندگی را هم در هر زمان تعبیه می دارد.

قبل از آنکه مختصراً روی اهمیت استرداد استقلال بپردازیم، مختصری از ارزیابی تاریخی «نفت الله خالین» را که از سالهای قبل از جنگ اول جهانی در مناسبات بین المللی و تأثیرات آن بر افغانستان می نویسد، جهت معلومات نیز در جایش، نقل می نمائیم. لیکن آنچه درین «کلپ» در وقفه های مختلف تذکر رفته است، از دلچسپی خالی نخواهد بود.



محمود طرزی پدر مطبوعات و وزارت خارجه در افغانستان

شخصیت های «روشنفکری و ملی» تحول طلب، آزادیخواه و طرفدار «تجدد»، که در صف مقدم آنها «علامه محمود طرزی»، در جمله «مشروطه خواهان» قرار داشت، خواهان «تجدد در جوامع اسلامی» نیز بوده، این شخصیت معروف علمی، سیاسی و فرهنگی، در ترکیه و شرق میانه (بطور خاص در سوریه)، نیز از شهرت و محبوبیت خاص برخوردار بوده است، در بیداری و الهام بخشیدن به نسل جوان در راه

مبارزه علیه استعمار و طرد و دفع مناسبات غارتگرانه آن و در راه انتخاب راه نو زندگی، نقش سنگین و مؤثر داشته است. در آخرین سال جنگ اول جهانی «سیستم پادشاهی» یا «امپراتوری» پادشاهی در سرزمین «جرمن ها»، سقوط نموده، رژیم جمهوری، بنام «جمهوری وایمر» برقرار گردید. قریب یک سال قبل از ختم همان جنگ «انقلاب اکتوبر» (۱۹۱۷م) در روسیه نیز به پیروزی رسید.

اهمیت تاریخی اکتوبر ۱۹۱۷م را مؤرخین در آن می بینند که به تاریخ ۲۰ نوامبر (در جایی دیگر ۳ دسمبر) ۱۹۱۷م، «شورای کمیسری خلق» در خطاب به «زحمتکشان مسلمان روسیه و شرق» «فراخوانی» را به تصویب رسانید و در آن چنین درج گردیده است: «فرصت را از دست ندهید، یوغ اسارت متجاوزین را درهم شکنید، که سده های طولانی زمین های شما را ربوده اند، حتی کشور به خاکستر مبدل شده را نمی گذارند، تا شما از آن استفاده نمائید. شما خود باید مالک کشور خویش باشید. شما باید زندگی خود را خود آباد نمائید. شما به آن حق

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

دارید. سرنوشت بدست خود شماست.» در ختم جنگ تناسب قوا و ترکیب نیروها در عرصه بین‌المللی نیز تغییر می‌نمود.

به تاریخ ۳ مارچ ۱۹۱۸م در قرارداد «بريست لیٹوفسک»، «بلشویک‌ها» ماده‌ای را در رابطه با «احترام به آزادی سیاسی، اقتصادی و تمامیت ارضی افغانستان و ایران» شامل نمودند. در عین حال در آن زمان گفته شده بود که «ازین زمان بعد مردم افغانستان می‌تواند در مبارزه بخاطر کسب حاکمیت ملی بر حمایت روسیه حساب کند».

این موضوع برای «امیر حبیب الله خان سراج المله» جالب نبوده است، از جانب دیگر می‌دانیم، که «قیصر آلمان» و رهبران وقت «ترکیه» نیز تلاش نموده بودند، تا در سال‌های آغاز «جنگ اول جهانی»، حرکات ضد انگلیسی را درین منطقه نیز براه اندازند، که امیر «حبیب الله خان سراج» برطبق «طرح» آنها، عمل ننمود. گزارش «هیأت» آلمانی از عدم رضایت «مشروطه خواهان» افغانستان و غیره، نسبت به «موقف امیر حبیب الله خان» در رابطه با «پیشنهاد»، جانب «هیأت آلمانی و ترکی» که خواهان «جنگ با برتانیه»، بخاطر «استقلال» افغانستان و «آبادگی» آنها برای «کمک» به «افغانها» بوده اند، در «گزارش سفر ناکام هیأت» تذکر رفته است.



امیر حبیب الله خان سراج المله پادشاه افغانستان

طوری‌که می‌دانیم، فعالیت‌های سیاسی برای کسب استقلال افغانستان در جریان «جنگ اول جهانی» با شدت و پیگیری بیشتر به پیش برده می‌شده است. در جریان «جنگ اول جهانی» افغانستان، طوری‌که در بالا ذکر شد، در زمان حاکمیت امیر حبیب الله خان سراج، «بیطرفی» کشور را در جنگ حفظ نمود. در سند تحقیقاتی تاریخی «خالفین» می‌خوانیم که جانب روسیه و شخص «و.ا. لینن»

در آن زمان معتقد بوده است که: «با زیر اثر قرار دادن کامل افغانستان، آنها» (یعنی امپریالیست‌های انگلیسی: مؤرخ) «برای خود از مدت‌ها قبل پایگاه دفاعی ایجاد نموده اند، تا بر قلمرو مستعمراتی آن بیفزاید و در پهلوی به بند کشتانیدن ملت

ها، زمینه‌های تجاوز و حمله بر روسیه شوروی را فراهم سازند.» این کشور در «رقابت» با «حریفان» بین‌المللی آن، دائماً در رابطه با اوضاع امنیتی در ساحه جنوب قلمرو آن، «نگران» بوده است.

تا همین امروز هم علی‌الرغم تغییرات کلی در مناسبات بین‌المللی و منجمله «تغییرات» سیاسی در سیستم‌هایی یک‌حزبی در کشورهای عضو سابق «اتحاد شوروی»، نگرانی امنیتی آنها، از «خطرات» احتمال از طرف «جنوب» برطرف نگردیده است. با وجود آنکه با ختم فضای «جنگ سرد» بین «غرب و شرق» سابق، در پهلوی «تغییرات کیفی اساسی» در ساحات مختلف، از «تحقیقات کیهانی» گرفته تا همکاری‌های «مشترک» در مبارزه «علیه تروریسم بین‌المللی» باز هم، نقاط زیادی از رقابت‌ها و تضادها در منابع و مراکز منفعت‌ها، باقی مانده است. بناء حفظ آزادی افغانستان هم، بطور دائمی، به هوشیاری سیاسی و ارزیابی دقیق منافع ملی خود و هم‌چنان، احترام و برسمیت شناختن منافع ملی و امنیت دیگران، در مطابقت با موازین و «نورم‌ها»، به مثابه یک امر حیاتی شناخته می‌شود.



اعلیحضرت امان الله خان غازی

کشورهای «اسلامی» در آن زمان، قریب همه، به استثنای «امپراتوری ترک‌های عثمانی» در حال «فروپاشی»، در تحت «تسلط» استعمار، عمدتاً در تحت تسلط استعمار انگلیسی و قیودات آن، بسر می‌برده اند. در افغانستان، در تحت فشار گروپ‌های مختلف، «آواز مشروطه خواهان» بلندتر از دیگران در داخل و خارج کشور شنیده می‌شده است. امیر حبیب الله خان تلاش می‌ورزیده است، تا بعد از ختم «جنگ اول جهانی» از طریق کنفرانس «ورسای» در فرانسه، موضوع استقلال «سیاسی» افغانستان را مطرح و از قیودات هند برتانوی، بدون جنگ رهائی یابد.

د پانو شمیره: له 3تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ



بتاریخ ۲۰ ماهه فبروری ۱۹۱۹م، امیر حبیب الله خان (سراج) بقتل می رسد، پسر «سوم» امیر، «شهباز امان الله خان» (۲۱ فبروری ۱۹۱۹م) بر تاج و تخت سلطنت می نشیند، مدتی بعد لقب «پادشاه» را انتخاب می نماید.



حاکمیت امیر نو، «علیحضرت امان الله خان»، در افغانستان، بحیث اولین کشور از جانب، حکومت «بلشویک ها» در روسیه، که تازه، رژیم «امپراتوری تزاری» را سقوط داده بودند، تحت رهبری «و.ا. لینن» (۲۷ مارچ ۱۹۱۹م) به رسمیت شناخته می شود، که در عین حال به معنی برسمیت شناختن استقلال افغانستان، بحیث «نظام پادشاهی» تفهیم شده است.

بدینترتیب تلاش ها و مبارزات قهرمانانه بیش از ۸۰ سال مبارزان افغان، از زمان جنگ اول «افغان - انگلیس» ببعده، خواست افغانها، برای «آزادی» که پادشاه جوان، نیز «مصمم» به دریافت آن بوده است، برای استعمارگران برتانوی و «حکومت هند برتانوی»، وضعیتی جدی تری را بوجود می آورد.



بدون شک «وضعیت» قبلی، مسابقات بین «روسیه» و «برتانیه» در مقایسه با «بازی بزرگ» در ماهیت «اهداف» تغییر کیفی نشان می داد.

تصویر علیحضرت ملکه ثریا

امیر «جوان» درصدر همه پروگرام های اصلاحی دولت، موضوع «استقلال کامل» را قرار داده، که نهایتاً به



«اسلحه» دست برده شد، و جنگ «سوم افغان- انگلیس» (۴ می ۱۹۱۹م، بر طبق کروئولوژی منتشره در «افغان جرمن آنلاین») شعله ور گردید. بر اساس همین «کروئولوژی» درست به تاریخ ۳ جون ۱۹۱۹م، نخست «متارکه» اعلان، بعد استقلال کشور از جانب برتانیه برسمیت شناخته شد. سرلشکرهای نامدار کشور، که در محاربات «تل» و «وانه» خاصناً از خود «قهرمانی ها» ثبت تاریخ نموده اند، با سر بلندی، وارد پایتخت افغانستان گردیده، از این غازیان، پادشاه جوان، با مراسم خاصی در حضور مردم در کابل، استقبال بعمل آورده اند، که در پیشاپیش همه قوماندان «سپهسالار» جنرال محمد نادر خان، سوار بر اسب، دیده می شده است.

در رابطه به این روز پر افتخار، نویسنده و دانشمند آگاه از تاریخ معاصر کشور ما، محترم ولی احمد نوری، در مقاله منتشر شده به تاریخ ۲۰۱۳/۰۸/۱۹، می نویسند:

«درافغانستان عزیز افتخارات تاریخی زیاد است و از جمله، مهمترین آن حصول استقلال کامل وطن ما از چنگ استعمار برتانیه می باشد که قریب یک صد سال قبل (۲۸ اسد ۱۲۹۸ش - مطابق ۱۸ اگست ۱۹۱۹م) به تصمیم علیحضرت امان الله خان غازی پادشاه جوان افغانستان، سربازی سپاه افتخارآفرین کشور و هدایت سپهسالاران با شهامت افغان، بلخاصه رشادت و قوماندانی سپهسالار دلیر جنرال محمد نادر خان فاتح جبهه «تل» و «وانه» بدست آمده است.»

امیر جوان افغانستان، که بر اساس همین گزارش، از افکار و نظرات «تجدد خواهی» علامه محمود طرزی، که از طریق ازدواج با دختر ایشان، بنام «ثریا» (تحصیل یافته)، روابط نزدیکتر حاصل داشته و از اقدامات «اتا ترک»، در زمینه ایجاد نظام نوین در ترکیه و بخصوص مفکوره های برقراری سیستم «سیکولار» در آنکشور اسلامی نیز باخبر می گردیده است، قدم های مشابه، بخصوص در بخش ایجاد سیستم تعلیمی برای تمام اتباع کشور و با توجه بیشتر در بخش «آزادی» زنان در جامعه اسلامی ما، آشنائی با تخنیک نو و سائر بخش های حیاتی در امر آبادی و ترقی کشور، اقدامات براه افتاد.



کمال اتا ترک رهبر ترکیه جدید

د پانو شمیره: له 4تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په څیر و لولئ

در همین گزارش آمده است که پادشاه جوان، اعلیحضرت امان الله خان غازی و «ملکه ثریا» در همه ساحات، مشترکاً به روشن ساختن مردم می پرداختند. در همین گزارش هم چنان تذکر رفته است، که «ملکه ثریا» به حیث اولین و یا از جمله اولین زنان افغانستان شمرده می شود، که خارج از حریم خانه بدون «چادری» ظاهر شده است.



در گزارش آمده است که پادشاه امان الله و «ملکه ثریا» هر دو در پروسه گذار جامعه به یک زندگی نو، جد و جهد داشته اند. به تعلیم و آموزش همه قشر های جامعه، بخصوص زنان توجه زیادی مبذول می داشته اند. آنچه در تحت نام «مودرنیزم» در اروپا از قرن ها قبل براه افتاده بود، در حلقه معینی ازین خانواده قبلاً راه یافته بود، «شاه جوان» و «ملکه ثریا» با «اشتیاق بیشتر» و با حرکات «سریعتر» متمایل به رسیدن به «مدارج» عالی تر پیشرفت و ترقی کشور بوده اند. یکی از اقدامات، بطور نمونه قابل یاد آوری خواهد بود، که پدرکلان و پدر امیر جوان، در ساحه اولین انکشافات و اقدامات آنها در جهت «استفاده» و «شناخت» از «ماشین» تذکر داده می شود، همانا آغاز تولید «برق» و آوردن «روشنی» در شب «شهر» است.

در منابع نشراتی، از نصب ماشین «داینمو» در سال ۱۸۹۳م، در کابل، یاد آوری بعمل آمده است، که از «ظرفیت» و یا توان تولید، یک «کیلو وات» برق گزارش شده است. در سال ۱۹۱۱م، از ظرفیت ۲۰ «کیلو وات» توسط «ماشین بخار» حرف در میان بوده است. یکی از دستگاه ها با چنین تخنیک، با ظرفیت ۱۹ «کیلو وات» در سال ۱۹۱۵م در مقر زمستانی امیر در «جلال آباد» و یکی دیگر با ظرفیت ۱۵ «کیلو وات» در پغمان، در سال ۱۹۱۷م، بفعالیت آغاز کرد.



بهین ترتیب در سال ۱۹۲۰م، در فاصله ۷۵ کیلومتری شمال کابل، بند برق «آبی» جبل السراج اعمار گردید. انرژی آبی از یک شاخه از دریای «سالنگ» حاصل می گردید. (منبع: «افغانستان نیوز»، ۱۹۶۳م، شماره ۷۲، سال ششم چاپ نشریه، صفحه ۳، بزبان آلمانی.)



در جهت مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی متنوع، با جامعه «اروپا» در آغاز از طریق «ترکیه» آشنائی بیشتر و روابط برقرار شده است. علائم نشان می دهد، که در اکثریت اقدامات، از نمونه های تصامیم ترکیه زمان «اتاترک» و از آن طریق از سیستم وقت آلمان «تقلید» نیز صورت می گرفته است.

ایشان هم چنان عملاً در نمایش و معرفی تولیدات صنعتی آنوقت، بخصوص نمایش تولیدات اروپای غربی و «مود لباس»، اشتراک می ورزیده اند.

(عکس تنهائی ایستاده با کلاه در صفحه قبلی از «اتا ترک» است)، که در گزارش «کلپ» متذکره شامل ساخته شده است.

در مجموعه از عکس های انتخاب شده، نمونه هایی از طرز لباس یا «مود لباس» آنوقت که در جامعه رواج داده می شده است، تا حدی نمایانگر، حرکت به «جهت تجدد» میباشد.



عکس پهلو را درین گزارش از تالار «لویه جرگه» در سال ۱۹۲۷م یاد نموده، بعد از آن، «پادشاه» و «ملکه» سفر طولانی «شش ماهه» را به اروپا، در پیش گرفت، که در مورد آن سفر در منابع مختلف معلومات وسیع منتشر شده است. یکی از اهداف اساسی پادشاه، در پهلوئی تحکیم و توسعه مناسبات همه جانبه با کشور های خارجی، عمده ترین هدف جلب همکاری های «تخنیکی» کشور های اروپائی و سرمایه گذاری های مساعد آنها و دعوت بیشتر از انجنیران و کار شناسان کشور های صنعتی پیرفته به کشور افغانستان بوده است.

وقایع بعدی نشان داد، که دشمنان «ریفرم های» این «پادشاه» جوان، استفاده «سوء» نموده، در نتیجه در سال ۱۹۲۹م، پس از شورش ها، در نقاط مختلف کشور، توسط شخصی بنام «حبیب الله» مسمی به «بچه سقا» سقوط داده شد. عکس این شخص نیز درین «کلپ»، به این شکل

د پانو شمیره: له5تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

نشان داده شده است.

با مطالعه مقاله محترم احسان الله مایار، که در آن «بیانس مختصر» و با محتوا از مراحل معین تاریخی کشور ما را بیان شده است، ترجیح دادم تا بعد از دریافت اجازه از نویسنده محترم بجای استفاده از «نقل قول ها» «لینک» مقاله ایشان را که در همین «پورتال افغان جرمن آنلاین» نشر شده است، خدمت خوانندگان محترم تقدیم، نمایم:

http://www.afghan-german.net/upload/Tahliiha_PDF/mayar_e_94_sale_esteqlal_bahama_mobarak.pdf

پایان

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ